

کتابت بمنظر اکبر وارد ۱۰۰۰

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۶۸۷

جناب زین علیه بهاء الله

الأعظم الأقدم

کتابت بمنظر اکبر وارد و آنچه از آیات الهیه سؤال نموده بودید عبد حاضر لدى الوجه ارسال مینماید ان یا زین تعویق جواب ما سألته فی الآیات حفظ تغییر بوده چه که در اوایل ابداً در حین نزول ملاحظه قواعد قوم نمیشد و این آیام نظر بحکمت ملاحظه میشود لذا اگر لوحی از قبل تلقاء وجه قرائت شود ینزل فی بعض المقام بغیر ما نزل من قبل این نظر بظاهر عبارتست و فی الحقیقه آنچه نازل همان صحیح بوده و خواهد بود در ارض سرّ اراده چنان بود که قواعدی در علم الهیه نازل شود تا کل مطلع باشند نظر باحزان وارده و اشغال متواتره و ابتلاهای متتابعه تأخیر افتاد و دیگر سبب اعظم آنکه هر مجهولی کلمات مجعوله ترکیب نماید و ناس نظر بآن قواعد صحیح دانند مع آنکه اگر از خود او سؤال شود عالم بحرفی نبوده چنانچه در یحیی و اتباعش مشاهده مینمائید العلم فی قبضته یقلبه کیف یشاء مثلاً در بعض مقام آیه بر حسب قواعد ظاهریه باید مرفوع و یا مجرور باشد منصوب نازل شده در این مقام یا کان مقدر است و یا امثال آن از احرف ناصبه و مواضع آن و اگر مقامی مجرور نازل شده و بر حسب ظاهر بین قوم دون آن مقرر است در این مقام حرف جرّ و یا مضاف که علة جرّ است محذوف و این قاعده را در کل جاری نمائید و همچنین در بعضی مواقع نظر بطرز آیاتست لا نحبّ ان نذکر القافیه فی هذا المقام و همچنین نزد ائمة نحو فعل لازم در سه مقام بطراز متعدّی ظاهر بالتکریر و الباء و الهمزة این در نزد قوم معتبر است و لکن در علم الهی بقریئه مقام فعل لازم متعدّی و فعل متعدّی لازم میشود طوبی للعارفین و طوبی لمن کان موقناً بأنّ العلوم کلّها فی قبضة قدرة ربّه العلیم الخبیر و همچنین فعل متعدّی مثلاً مثل رفع ارفع نازل و مثال آن در کتب سماویه هم از قبل بوده و این در مقام تأکید است لا بأس باری ای زین المقربین جمال مبین بین حزین مبتلا اگر آفرینش مطلع شوند که صریر قلم اعلی در چه حالتی مرتفعست و لسان عظمت در چه بلائی ناطق کل لباس هستی را خلع نمایند و طراز نیستی طلب کنند هزار سنه و ازید مابین علمای اسلام نزاع و جدال بود که آیا واضح الفاظ حقّ است و یا غیر او حال مع ظهور حقّ در ما نزل من عنده اعتراض نموده و مینمایند چنانچه کریم کرمانی و همچنین علمای عصر اعتراضات لایحسی در کلمات الهی نموده اند و شنیده اید اگرچه از قبل امثال این مطالب مذکوره



ORIGINAL

نازل ولكن المسك كلما يتكرر يتضوع و اكثرى از الواح در احیائی نازل که مجال رجوع بآن نشده آنچه از قلم عبد حاضر تلقاء وجه جاری شد همان باطراف منتشر شده لذا احتمال آنکه در بعض مواضع ترک شده باشد و یا زیاده و کم می‌رود چه که احدی قادر نیست در حین تنزیل آنچه نازل میشود بتمامه تحریر نماید آنچه در این مقامات سؤال شود محبوب بوده و خواهد بود اگرچه نزد مسجون تنزیل جدید احبست از رجوع بما نزل من قبل و التوجه الیه الأولى اسهل و مالک العلل

و اما ما سألت عن اللقاء ان اصبر ان ربك هو الصبار چه که این ارض چنانچه منظر مختار و ممکن اخیار واقع شده همان قسم مطلع اشرار و مقرر فجار واقع لكل حق باطل ولكن لا تيأس من روح الله و رحمته اذا اراد يبدلها بقوله كن فيكون نشهد انك من الذين فازوا بقاء الله و عاشروا معه و سمعوا ندائه و قاموا لدى بابہ الأعظم العظيم لا تحزن من شيء كن مستقيماً على ما انت عليه لأن الأمر عظيم عظيم مشاهدۀ ضعف ناس نمائید مع ظهور حق و قدرت و عظمت و آیات او بکلمات جعلیه قبل و توهمات لا یغنیه ناس را از مالک احدیہ منع نموده اند لعمری انهم من الخاسرين و بل لمن اقبل اليهم و سمع ما عندهم طوبى للمنتقطعين این ظهور اعظم حق و حده بر عرش مستقر است هر نفسی تفکر نماید در این ظهور اعظم و اشراق مطلع قدم یشهد بهذا الظهور ثبت تنزيه ذاته عن المثلية و تقدیس نفسه عن الشبيهة مشاهده در ملت فرقان كن که فی الحقیقه عبده اسماء و اوهام بوده و هستند لساناً مقررند بتوحیده تعالی و من يتفكر فيما يقولون یشهد انهم من المشركين اینست که ماحصل اعمالشان اعراض از حق شده علیهم ما ینبغی لأنفسهم

در کلمات مکنونه ذکر نموده بودید بعضی از آن در یک لوح مرّة واحده نازل ولكن در بعضی احیان فقرات دیگر نازل شده بعضی کل را جمع نموده اند و بعضی متفرقت اگر جمع شود احسن بوده عند الله ربك و رب العالمين

در باب ارث آنچه نقطه اولی روح ما سواه فداه بآن امر فرموده اند همان محبوبست آنچه از اولو القسمة موجودند قسموا بینهم اموالهم و مادون آن باید بساحت اقدس عرض شود الأمر بیده یحکم کیف یشاء در این مقام در ارض سر حکمی نازل و قسمت نفوس مفقوده موقتاً بوراث موجوده راجع الی ان یحقق بیت العدل بعد از تحقق حکم آن ظاهر خواهد شد ولكن المهاجرين الذين هاجروا فی سنة التي فيها هاجر جمال القدم میراثهم يرجع الی وراثهم هذا من فضل الله عليهم

اسباب جناب ملا حسن علیه بهاء الله بحق راجع است لأنه من المستشھدين فی سبيله و الفائزين ببقائه طوبى له بما وفى عهد الله و میثاقه لعمری قد فاز بأنوار الوجه و شرب رحيق الحيوان من اصبعی عنایة ربّه الغفور الکریم قدری از مرگب او ولو بقدر نخود باشد البتہ بساحت اقدس ارسال دارید و مابقی بشما عنایت شد نظر بعدم قابلیت ظاهره آن مکن عند الله له شأن من الشؤون انه هو العطوف الغفور

اگر نفسی به ایران راجع بجناب حاء علیه بهاء الله بنویسید به امین اخبار نماید توقف فیما امرت به فی امر الاماء انه هو الحاكم على ما یشاء لا اله الا هو المقتدر القدير طوبى له یا زین بما استقام على امر ربّه نشهد انه من المخلصين انا نكبر علیه من هذا المقام الأمتع المنیع و نسأل الله بأن یحفظه من الذين كفروا و يؤيده على خدمته فی كل شأن و یقدر له ما قدر لأصفیائه انه هو الغفور الرحيم اما البهاء علیک و علیه و علی الذين فی هناک من لدن اسیر غریب و الحمد لله رب العالمين